

علی حصری

گزارش کتیبه‌های قلعه بهمن

قلعه‌ای که چند سالی است شناخته و به قلعه بهمن معروف شده است، دژی است از سنگ آهکی یکپارچه در قله یکی از کوههای بلند منطقه سردسیر شمال غربی آباده بین سمیرم و یزدخواست و آباده و مردم محل آن را قلعه سنگی می‌نامند. نزدیکترین ده بزرگ به قلعه، بهمن نام دارد. قلعه در دو کیلومتری ده جدید الاحداثی قرار دارد که قلعه مختارخان نامیده می‌شود (این ده ده ساله است)

این قلعه ویران شده است و تنها آثار دیواره جنوبی آن با برجاست. این دیواره بر روی صخره سنگ یکپارچه‌ای بنا شده بود که خود لااقل ده متر ارتفاع دارد. در پای قلعه (ضلع غربی) دو آب انبار بزرگ پله دار هست و بالای یکی از آب انبارها نخستین کتیبه خود نمائی می‌کند. متاسفانه حروف کتیبه خرد شده و ریخته. در آغاز حتی حدس این که این کتیبه ایرانی است یا نه مشکل بود و بالاخره پس از کوشش بسیار نیز شناخته نشد اما مسلم گردید که کتیبه به خطی از خطهای شناخته شده ایرانی نیست. این کتیبه نشان می‌دهد که دژ بهمن بسیار کهنه است و شاید حتی پیش از هخامنشیان مورد استفاده بوده است. در هر صورت این کتیبه از کهن ترین کتیبه‌های ایران است.

بقیه کتیبه‌ها در بالای قلعه قرار دارد و با آن که بسیار سطحی و کم عمق و با قلمی نازک کنده شده‌اند و بیش از این کتیبه در معرض پدیده‌های طبیعی هستند بسیار سالمتر مانده‌اند.

راه ورود به قلعه از ضلع جنوبی است از میان سوراخ سنگ و بالاخره سه چهار پله مانند بسیار کج و ناهموار که فقط یک نفر آن هم با اشکال می تواند از آن بگذرد.

در ضلع شمالی قلعه روی صخره سنگ زمین چند کتیبه به خط کوفی و یک کتیبه به خط پهلوی دیده می شود. شاید مهمترین کتیبه این گروه همان کتیبه پهلوی باشد که اینجانب در کوشش برای خواندن آن فهمیدم که یکی از کتیبه های کوفی خلاصه ای از ترجمه همان کتیبه است. این دو کتیبه را نگارنده طی مقاله ای خواندم و گزارش کردم که در Acta Iranica چاپ خواهد شد و به همین دلیل اینجا با مختصر توضیح فقط متن دو کتیبه را می آورم.

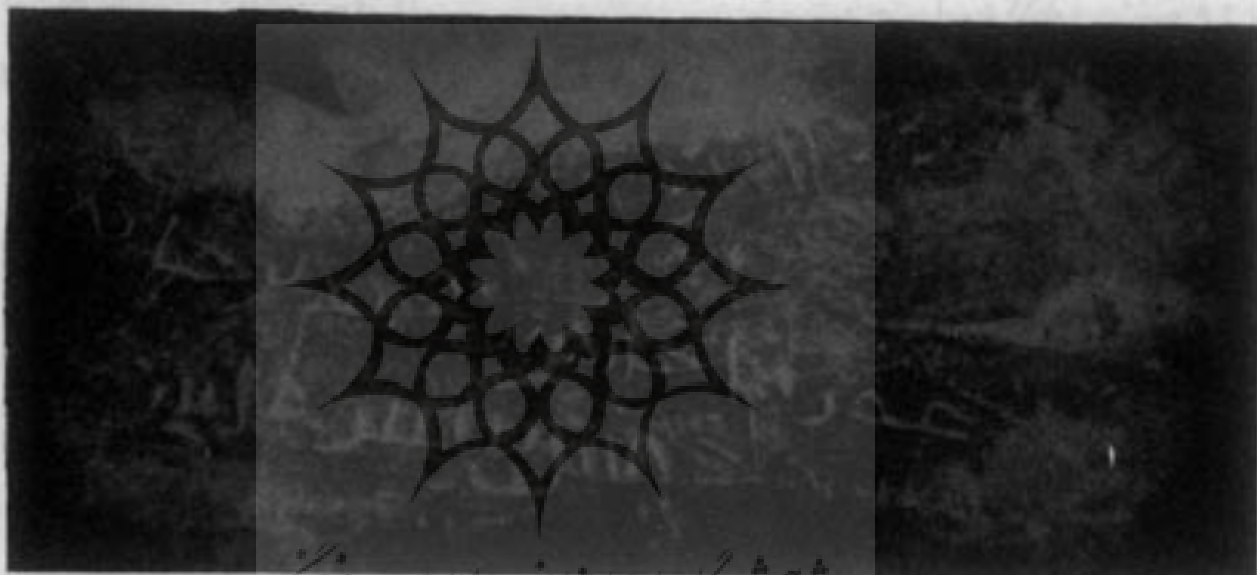


عکس شماره ۱

ZNH kl't h'z m mh m 'n
 'p't'n klt SNT (?) 5 (?)
 'whrmzd hng'm

 6

ترجمه . این قلعه را حازم بن محمد تعمیر کرد سال ۱۶۵ به روز هرمزد بر
 ۶ (عکس شماره ۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عکس شماره ۲

رساله جامع علوم انسانی

عمرها حازم بن محمد ترجمه
 سه‌دهم سپهرها

عمرها حازم بن محمد بن جنانه

سنه خمس (و) سنين (و) مائه (عکس شماره ۲)

از این قرار تردیدی نیست که شخصی به نام حازم بن محمد (شاید از

مقاتلان) این قلعه را در سال ۱۶۵ هجری تعمیر کرده است و این قرینه‌ای است
براین که قطعا " دژ پیش از قرن دوم هجری سالم بوده و شاید در زد و خوردهای
اوائل اسلام صدمه دیده است!
کتیبه پهلوی دارای تاریخ یزدگردی بوده که فقط نام روزهرمزد از آن باقی مانده
است.

قرینه وجود تاریخ یزدگردی کتیبه دیگری است به خط کوفی که در باره آن
سخن خواهیم گفت و در آن تاریخ یزدگردی به شکل ناقص ذکر شده است.
غیر از این دو کتیبه پهلوی و کوفی یک کتیبه کوفی دیگر جلب نظر
می‌کند که به فاصله یک متر از این دو کتیبه کنده شده است، متن این کتیبه چنین
است:

ورداد محمد در نوسه
 ما دورو ایسمار یوم الاندر الیاطر
 رها هر سار سسه تسبع و سلیمان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

چنان که ملاحظه می‌شود تاریخ این کتیبه ۳۰۹ یا ۳۰۷ است و در آن آسمان روز (روز بیست و هفتم هر ماه یزدگردی) مطابق دوشنبه‌روزی از یک‌ماه قمری سال ۳۰۹ ذکر شده است

طبق حساب اگر سال را ۳۰۷ بگیریم ، فقط یکی از دوشنبه‌های این سال است که مطابق آسمان روز است و آن ۱۹ ربیع الاول برابر ۲۷ مرداد ۲۸۷ یزدگردی و هشتم سپتامبر ۹۱۸ میلادی است . اما اگر سال را ۳۰۹ بگیریم دو احتمال وجود دارد . یکی نهم ربیع الثانی برابر ۲۷ تیرماه ۲۸۹ یزدگردی و ۳۰ ژوئن ۹۲۰ میلادی و دیگری ۱۹ ذی‌قعدة برابر ۲۷ بهمن ۲۸۹ یزدگردی و دوم مارس ۹۲۱ میلادی اگر دومین حساب درست باشد یعنی آسمان روز (بیست و هفتم) بهمن ماه ۲۸۹ یزدگردی برابر نوزدهم ذی‌قعدة سال ۳۰۹ میتوان کتیبه را تا حدی اصلاح کرد . با این حساب چهل روز مانده بود تا سال ۳۰۹ هجری تمام شود و سال ۳۱۰ آغاز گردد . بنابراین کتیبه باید چنین خوانده شود .

ویلد محمد بن یوسف بن حازم بهمن

ماه و روز و آسمان یوم الاثنین اربعین

بقیا (؟) من ایام (؟) سنه تسع و ثلثمائه

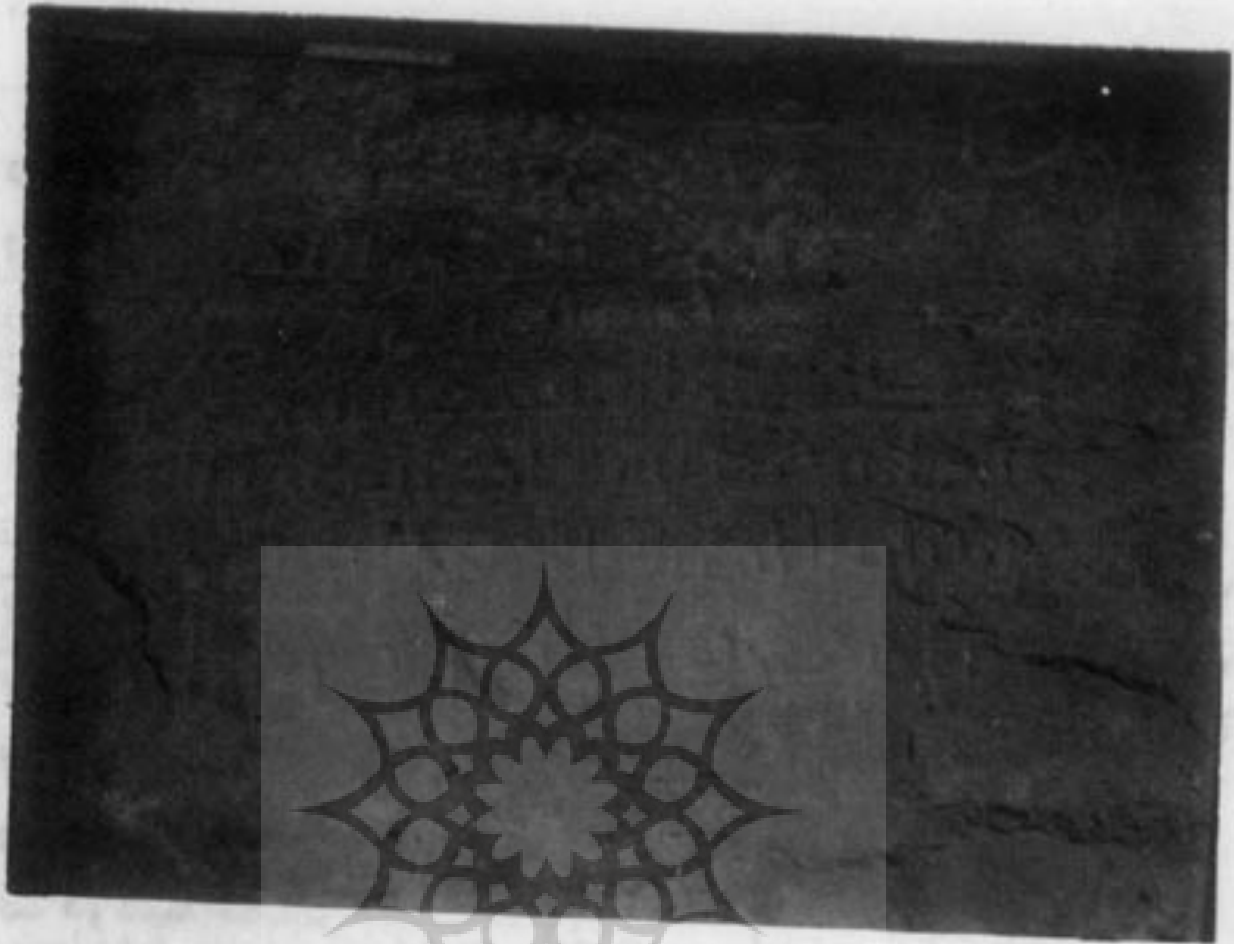
جز این سه کتیبه ۱۱ کتیبه دیگر کوفی که همه کوتاه هستند در روی قلعه دیده می‌شود. جز یک کتیبه که از همه مفصلتر و شش سطر است بقیه یک و دو و سه سطر هستند و فعلا " هیچ چیز مهمی در آنها دیده نمی‌شود . مثلا " یک کتیبه چنین است " و بالنبی الموتمن و بالحسین و الحسن " (عکس شماره ۳)



عکس شماره ۳

کتیبه شش سطری که از آن سخن رفت دو اشکال مهم دارد. یکی آن که حروف آن بسیار نزدیک به هم کننده شده و در نتیجه با عکسهای معمولی تشخیص آنها دشوار است. دیگر این که انتهای سمت چپ کتیبه شکسته و مقداری از قرائن خواندن آنها از بین رفته است. مثلاً "در آخرین قسمت سطر آخر روز آبان خوانده می شود اما متأسفانه بدنبال آن تاریخ هجری از بین رفته است. مشکل اساسی دیگر این که همین کتیبه بنظر می آید با کتیبه دیگری درآمیخته است و بنابراین سطر اول از این کتیبه مشکوک است (عکس شماره ۴)

کتیبه دیگر چنین خوانده می شود.



عکس شماره ۴

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتیبه ای دیگر :

سیر سکا نه و سنی کل بالک هو اخطا عرا و ملک احسا
 معر مار سع سع
 بحارک راعرر سهو و عمل و لیک سیر الوداود
 فی ماسرر حررد رار اصیح
 و بعد طرفه سز ف رگره عبه کد رگ دد بالک اینه

اگر هر چقدر کوشش کنیم که کتیبه را بخوانیم به عربی روانی نمی‌رسیم و باید

نتیجه گرفت که نویسنده کتیبه عرب نبوده و احتمالاً " ایرانی کم سواد بوده است .

رویه‌مرفته در بررسی قلعه بجز یک کتیبه پهلوی که معادل کوفی دارد و کتیبه دیگر کوفی که تاریخ دارد ، نمیتوان گفت که بقیه کتیبه‌ها از چه تاریخی و گویای چه چیز هستند اما با توجه به سبک خط میتوان آن‌ها را به شکل زیر دسته بندی کرد . بدیهی است تاریخ کتیبه‌های مذکور به این دسته بندی کمک بزرگی کرده است .

۱- کتیبه پای قلعه (بالای آب انبار) که به احتمال قوی یک کتیبه غیر ایرانی قبل از اسلام است .

۲- یک کتیبه پهلوی با معادل عربی از قرون دوم میلادی (سال ۱۶۵)

۳- یک کتیبه شش سطری ناقص که شاید قبل از قرن چهارم باشد

۴- یک کتیبه سه سطری از آغاز قرن چهارم (۳۰۹)

۵- یک دسته کتیبه احتمالاً " همزمان با کتیبه فوق‌الذکر (۴ کتیبه)

۶- دو کتیبه جدیدتر

۷- دو کتیبه جدیدتر از آن دو

۸- یک کتیبه باز هم جدیدتر

با همه این احوال بعید است که آخرین کتیبه پس از حمله مغول کنده شده باشد و شاید همین کتیبه‌ها فقط بازمانده آخرین تاریخ آبادانی قلعه است . چنانکه پیداست ظاهراً " قلعه از دوره مغول ببعده (لااقل) مورد استفاده واقع نشده زیرا هیچ نشانی از چنین استفاده‌ای دیده نمی‌شود . خرده سفالهایی که در اطراف قلعه پراکنده است همه متعلق به صد سال اخیر و یا غیریهای ایلات کوچ نشین است که برای بیلاق به این منطقه می‌آیند* .

* لازم است از آقای عبدالحمید حسینی دانشجوی موه‌سه آسیائی که مرا به محل کتیبه‌ها راهنمایی کردند تشکر کنم .